

## ماری کوری

نوشته‌ی: مارگارت پوینتزر

برگردان: احمد قندهاری

ماری اسکولودسکی (Marre Sklodowoki) در هفتم نوامبر ۱۸۶۷ در ورشوی لهستان که در آن زمان زیر نفوذ روسیه بود متولد شد. پدرش ولادیسلاو (Wladislaw) معلم مدرسه و مادرش برونیسلاوا (Bronislowa) نوازنده بود.

ماری سه خواهر و یک برادر بزرگ‌تر از خود داشت. در این زمان به علت تسلط روس‌ها در لهستان نه تنها زبان روسی زبان رسمی مردم لهستان شد بلکه کتاب‌های درسی مدارس هم به زبان روسی نوشته شده بود.

وقتی ماری پنج ساله بود، مادرش بیمار شد. خانواده برای تامین هزینه‌ی بیمارستان مادر، به یک آپارتمان کوچک‌تر نقل مکان کرد. مادر پس از یک سال از بیمارستان به خانه مراجعت کرد ولی همچنان لاغر و رنگ پریده بود. ماری صدای سرفه‌های شبانه‌ی مادر را می‌شنید و از این بابت خیلی ناراحت می‌شد.

پدر، برای تامین مخارج خانواده، شروع به تدریس شاگردان شبانه‌روزی در همان آپارتمان کوچک کرد. روزی یکی از شاگردان سخت بیمار بود، در نتیجه دو خواهر ماری هم به آن بیماری مبتلا شدند، که یکی از آنها در اثر همین بیماری فوت شد. مادر ماری هم پس از یک سال درگذشت.

ماری وقتی شانزده ساله بود از دبیرستان فارغ‌التحصیل شد، او پس از آن، جهت کمک به خانواده، معلم سرخانه شد و قسمتی از درآمدش را جهت کمک به تحصیل خواهرش که در سوربون پاریس مشغول تحصیل بود می‌فرستاد.

وقتی خواهرش فارغ‌التحصیل شد، ماری با جمع‌آوری مقداری پول در سال ۱۸۹۱ بار سفر بست و به سوربن پاریس رفت. او در آنجا سخت تلاش کرد تا پس از دو سال

مدرک فیزیک دریافت کرد. و در این رشته شاگرد اول شد. او یک سال بعد مدرک ریاضیات را هم از سوربون دریافت کرد.

ماری با پییر کوری (Pierre Curie) که استاد دانشگاه سوربون بود آشنا شد و این آشنایی در سال ۱۸۹۵ به ازدواج آنها انجامید.

در مراسم ازدواج، این دو نه تنها لباس مخصوص نداشتند حتی حلقه‌ی ازدواج هم نخریدند و برای ماه عسل با دو چرخه به یک جای نزدیک بیرون شهر رفتند.

ماری تصمیم گرفت در رشته‌ی فیزیک مدرک دکتری دریافت کند، موضوع رساله‌ی خود را تشعشع اورانیوم انتخاب کرد.

ماری در یک انبار متروکه شروع به آزمایش کرد و از یک نوع سنگ معدن تیره‌رنگ که درخشندگی کدوری داشت و نام آن پیچ بلند بود استفاده کرد. ضمن تحقیق، عنصر جدیدی یافت که مقدار تشعشع آن ۳۳۰ بار از اورانیوم بیش‌تر بود، او این عنصر جدید را با توجه به واژه‌ی پولند که به معنای لهستان است، پلونیوم نامید.

پس از آن که پلونیوم را از سنگ معدن جدا کرد، ملاحظه کرد که باقی مانده‌ی سنگ هنوز دارای تشعشع قابل ملاحظه‌ای است. پس از آزمایش‌های طولانی در سال ۱۸۹۸ عنصر جدیدی یافت که نام آن را رادیوم گذاشت، این واژه در زبان لاتین به معنای شعاع نور است، میزان تشعشع رادیوم، نهمصد برابر اورانیوم بود. بعدها متوجه شدند که پرتو رادیوم، معالجات سلول‌های سرطانی است. به این ترتیب دانش رادیولوژی در پزشکی بنیان گرفت.

نخستین دختر ماری به نام ایرن (Iren) در سال ۱۸۹۷ و دومین دخترش به نام ایو (Eve) در سال ۱۹۰۴ متولد شده بودند. ماری در سال ۱۹۰۳ موفق به اخذ درجه‌ی دکتری فیزیک شد و در همین سال به اتفاق شوهرش پییر و شخص دیگری به نام آنتونی بکورل که او هم در همین زمینه کار کرد موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل شدند.

به علت تشعشع، تجزیه‌ی سنگ معدن، ماری و پییر دچار مشکلات جسمانی شدند، از جمله پییر از درد شدید پا شب‌ها ناله می‌کرد و نمی‌توانست بخوابد و صبح‌ها هم نمی‌توانست از تخت خواب پایین بیاید. به همین علت کمی هم گیج شده بود و در نوزدهم آوریل ۱۹۰۶ به‌زیر درشکه رفت و درگذشت. ماری هم سلامتی‌اش به خطر افتاده بود، گوشش وزوز می‌کرد، گاهی به‌سختی نفس می‌کشید و دستانش پوست‌پوست شده بود.

آزمایش‌ها را ادامه می‌داد. نکته بارها به آنده عشق می‌داد. به آنده عشق می‌داد. به آنده عشق می‌داد.

پیش‌تر، روزی پی‌یر، زمزمه‌کنان می‌گفت: اگر ما طرز ساختن رادیوم را به‌ثبت می‌رساندیم، حال، وضع مالی بسیار خوبی داشتیم ولی ماری در جواب او گفت، این نوع درآمد مخالف روح دانش است.

با این‌که ماری از پی‌یر دو دختر داشت، باز هم قبول نکرد که حقوق پی‌یر به‌او پرداخت شود. ماری هیچ‌گاه حاضر نشد رادیوم کشف شده‌ی خود را بفروشد، در حالی‌که یک گرم رادیوم یک صد هزار دلار آن روزگار ارزش داشت و ماری به‌طور رایگان همه رادیوم را در اختیار نیازمندان قرار می‌داد.

در سال ۱۹۱۱ برای دومین بار جایزه‌ی نوبل را در شیمی به‌دست آورد. اگر چه بعد از آن سخت بیمار شد ولی بعدها بهبود یافت و به‌آزمایش‌ها ادامه داد.

در سال ۱۹۱۴ جنگ جهانی شروع شد و ماری با تمام توان خود، در خدمت فرانسه بود، او دستگاه‌های اشعه‌ی رادیوم را به بیمارستان‌ها سپرد و در مورد چگونگی کار با دستگاه‌ها را به مردم آموزش داد، او حدود دویست دستگاه به بیمارستان‌ها تحویل داد و یک دستگاه را در یک اتومبیل قرار داد و به‌طور سیار در خدمت جنگ بود.

در سال ۱۹۱۸ جنگ پایان گرفت و انستیتوی رادیوم در پاریس و ورشو تشکیل شد. ماری در سال ۱۹۲۱ به آمریکا سفر کرد و بسیار مورد توجه قرار گرفت.

ریس جمهوری آمریکا «وارن جی هاردینگ» یک گرم رادیوم را که به‌وسیله‌ی مردم به‌خصوص زنان و دانشجویان تهیه شده بود، به‌وی تقدیم کرد.

ماری یک بار دیگر به آمریکا سفر کرد و «هری فورد» با افتخار، یک دستگاه اتومبیل به‌وی اعطا کرد و رییس جمهوری «هربرت هوور» او را به‌کاخ سفید دعوت کرد و ماری شب را در کاخ سفید گذرانید.

در سال ۱۹۲۶، دخترش ایرن با فردریک ژولیت که هر دو در آزمایشگاه ماری مشغول بودند ازدواج کرد.

در سال ۱۹۲۶ ماری به‌علت تشعشع رادیوم در چهارم جولای درگذشت و دنیای دانش را ماتم‌زده کرد.

در سال ۱۹۳۶، دخترش ایرن و شوهرش ژولیت جایزه‌ی نوبل در شیمی را برای ابداع رادیواکتیو مصنوعی دریافت کردند.

برگرفته از کتاب ماری کوری